خبـــر

چرا در دنیا همواره با مشکلات و سختی‌ها مواجه هستیم؟

هگمتانه، گروه جرعه نور: شخصی از کنار مغازه بلور فروشـــی می‌گذشت چشمش به لیوان‌هایی افتاد که روی میز به طور وارونه چیده شـــده بود. همانجا ایستاد، کمی نگاه کرد و یکی از آنها را به همان حالتی که بود برداشت و شـــروع به اعتراض به فروشنده کرد که آقا! چرا دَر این لیوان بســـته است و ته آن باز است؟ فروشنده خندید و گفت: اگر شما درست بنگرید و لیوان را به حالت درست بگیرید، هر دو اشکال برطرف خواهد شد.

آری، بســـیاری از اشـــکالات، بر اساس باورها و تصورات غلط ما می‌باشـــد. مـــا خیال می‌کنیم که دنیا برای رفاه اســـت، لذا می‌گوییم: چرا رفاه نیســـت؟ مثل کســـی که در چلوکبابی نشسته و اعتراض می‌کند چرا اینجـــا دوش ندارد؟! او باید باور کند که آنجا حمام نیســـت. ما باید باور کنیم که دنیا خوابگاه، عشـــرتکده و آخور نیســـت، دنیا میدان رشد است و انســـان باید در این میدان با ســـختی‌ها مبارزه کند تا خود به رشـــد و کمال برسد.

قرآن می‌فرماید: (أخذناهم بالبأســـاء و الضّراء لعلهم یضرعون)(۱) ســـختی‌ها و فشـــارها برای توجه دادن به انسان است.

آری، تا چوب عود را نســـوزانید، بوی عطرش بلند نمی‌شود. سختی‌ها وسیله غرور زدایی است.

همان گونه که لاســـتیک‌های ماشـــین را باید تنظیم باد کرد، حوادث تلخ نیز انســـان را متعادل و تنظیم می‌کنـــد، غفلت و غرور و تکبر را از بین می‌برد، به علاوه تلخی‌ها انسان را به فکر و تلاش واداشته و سرچشمه ی انواع ابتکارات و اختراعات می‌شود.

پی نوشت:

۱- سوره انعام، آیه ۴۸.

منبع: پرسش‌های مهم پاسخ‌های کوتاه، حجت الاسلام محسن قرائتی

خبـــر

ثبت نام خواهران مدافع حرم شروع شد

هگمتانـــه، گروه جرعه نور: شـــرکت در میدان نبرد با حرامیـــان تکفیری که حرم اهل بیت(ع) را در معرض تهدید قرار دادند، در واقع ریشـــه در محبت و انس به خاندان عصمت و طهـــارت دارد؛ انـــس و محبتی که خواســـت خدای متعـــال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اســـت کما اینکه قرآن کریم از زبان پیامبـــر اکرم می‌فرماید: «من هیچ پاداشی از شـــما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشـــتن نزدیکانم[اهل بیتم]»[شوری/۲۳]

نکته اول: بر کسی پوشیده نیست که دوستی اهـــل بیت تنها در حیطه زبان و اندیشـــه خلاصه نمی‌شـــود؛ چرا کـــه در وادی عمـــل و کردار نیز باید خود را نشـــان دهد؛ کما اینکـــه باری تعالی می‌فرماید:«بگو [ای پیامبر!] اگر خدا را دوســـت می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا[هم] شـــما را دوست بدارد.»[آل عمران/۳۱]

نکته دوم: دفاع و ابراز محبت به اهل بیت علیه الســـلام تنها در دفاع ازحرم آنان خلاصه نمی‌شد؛ بلکه تبعیت از آموزه‌های دین که اهل بیت مروج و مبلغ آنان بوده‌اند نیز از جمله مصادیق اثبات و ابراز دوستی با اهل بیت است، آموزه‌های همچون حریـــم حجاب و عفاف در واقع یکی از میدان‌های بسیار مهم و حساسی اســـت که در عرصه جهاد فرهنگی باید به خوبی از آن محافظت و پاسداری کـــرد. البته نقش زنان در ایـــن عرصه مهمتر و با کارآمدتر است کما اینکه در منابع روایی نیز نقل شده است،

«حیـــا ده جز دارد، نه جزء آن در زنان اســـت و یک جـــزء در مردان.»(روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج۲، ص۴۶۰)

منبع: کانال مرکز نشر معارف قرآن و حدیث

راهکار قرآنی در برابر مصائب و مشکلات

هگمتانه، گروه جرعه نور: خداوند در آیه ۲۳ سوره «حدید» می‌فرماید: «این برای آن است که به خاطر آنچه از دست داده اید، غمگین نشوید و به آنچه خداوند به شـــما داده، شـــاد دلبسته نباشـــید.» این دو جمله کوتـــاه، در حقیقت، یکی از مســـائل پیچیده فلسفه آفرینش را حل می‌کند، چرا که انسان، همیشه در جهان هستی با مشکلات و گرفتاری‌ها و حوادث ناگواری روبه رو اســـت و غالباً از خود سؤال می‌کند: با این که خداوند مهربان، کریم و رحیم است این حوادث دردناک برای چیست؟

قرآن می‌گوید: «هدف این بوده که شما، دلبسته و اســـیر زرق و برق این جهان نباشید». منظور این بوده که، موقعیت این گذرگاه و پلی که نامش دنیا اســـت و همچنین موقعیت خودتان را در این جهان، گم نکنید، دلباخته و دلداده آن نشوید و آن را جاودانه نپندارید، که این دلبستگی فوق العاده، بزرگترین دشمن سعادت شـــما است، شما را از یاد خدا غافل می‌کند و از مسیر تکامل باز می‌دارد. این مصائب، زنگ بیدار باشی است برای غافلان و شـــلاقی اســـت، بر ارواح خفته و رمزی است از ناپایداری جهان و اشاره‌ای است به کوتاه بودن عمر این زندگی. حقیقت این است که، مظاهر فریبنده این «دار الغرور» زود انسان را به خود جذب و سرگرم و از یاد حق غافل می‌کند، ناگ‌هان بیدار می‌شـــود که کاروان رفته و او در خواب و بیابان در پیش.

افراد با ایمـــان با توجه به اصل فـــوق هنگامی که به نعمتی از ســـوی خدا می‌رســـند، خود را امانتدار او می‌دانند، نه از رفتن آن غمگین می‌شوند، نه از داشتن آن مســـت و مغرور، در حقیقت آن‌ها خود را همچون مسوولان بیت المال می‌دانند که یک روز اموال زیادی را دریافت و روز دیگر هزاران هزار، پرداخت می‌کنند، نـــه از دریافتش ذوق زده می‌شـــوند و نه از پرداختش غمگین

. چه تعبیـــر جالبـــی دارد امیرالمؤمنان علی علیه الســـلام درباره همین آیه، آنجا کـــه می‌گوید: «تمام زهد در میان دو جمله از قرآن اســـت، آنجا که خداوند ســـبحان می‌فرماید:... به خاطر آنچه از دست داده اید، غمگین نشـــوید، و به آنچه خدا به شما داده دلبسته و مغرور نباشـــید.»، بنابراین هر کس بر گذشـــته تاسف نخورد و به آنچه در دست دارد دلبسته نباشد، زهد را از هر دو طرف در اختیار گرفته. «شـــکر» عامل بسیار مؤثـــر در افزایش نعمت ها و الطاف الهی اســـت که خداوند با صراحت بدان اشاره فرموده است هرگاه شکر نعمـــت ها را به جا آورید و آن را در موارد واقعی صرف کنید، نعمت را بر شما افزون می‌کنم توجه به این اصل کـــه: ناکامی ها با زندگی انســـان از آغاز عجین بوده و طبق سنت حکیمانه‌ای مقدر شده است و دنیا پیوسته فراز و نشیب دارد، انسان را برای تحمل شدائد، شجاع و در برابر حوادث ســـخت، صبور و مقاوم می‌سازد، به او آرامـــش خاطر می‌دهد و از بیتابـــی ها و جزع مانع می‌گـــردد. ولی باید تأکید کنیم که این تن‌ها در مورد مصائـــب غیرقابل اجتناب اســـت، وگرنه، مصیبت ها و ناکامی هایی که تن‌ها معلول گناهان و س‌هل انگاری خود انســـان اســـت و راه مقابله با آن‌ها موضع گیری صحیح، در برنامه های زندگی است

*عوامل سرنوشت ساز درزندگی

آموزه های تربیتی قرآن و دســـتورهای معصومان علی‌هم الســـلام درباره عوامل وســـعت روزی یا کمی رزق، دفع بلایا و شریات، بیانگر حقایقی ارزشمند است که در پرتـــو آن‌ها رابطه و پروردگارمان و نیز رابطه ما و جامعه اســـلامی و رابطه ما با خود و خانواده مان که در جلوه های رفتار و گفتار تجلی می‌یابد، حساس تر، دقیق‌تر و اندیشـــه گرایانه‌تر خواهد بود. با این معارف دینی، تمامی اعمال خود را با نگاهی دقیق‌تر و حساب شـــده‌تر انجام می‌دهیم و با توجه بـــه آثار هر یک در خود، خانواده و جامعه، مســـؤولیت بیشتری احساس می‌کنیم

برخی از این عوامل عبارتند از:

۱ -تقـــوا و پرهیزگاری: قـــرآن کریم می‌فرماید هر کس از خدا پروا کند، پروردگار برای او راه بیرون شدن از ســـختی ها را قرارمی دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کنند، به او روزی می‌رساند. (طلاق آیه ۲ و ۳)

۲ –یـــاد خداوند سپاســـگزاری از نعمـــت های او: «شکر» عامل بسیار مؤثر در افزایش نعمت ها و الطاف الهی است که خداوند با صراحت بدان اشاره فرموده اســـت: هرگاه شـــکر نعمت ها را به جا آورید و آن را در مـــوارد واقعی صرف کنید، نعمت را بر شـــما افزون می‌کنم. (ابراهیم آیه۷

۳ -نیکوکاری: خوش اخلاقی و مهربانی و پذیرایی از بنـــدگان صالح خدا با نعمت های الهی در دســـت ماســـت. این کار پســـندیده رضایت پـــروردگار را در رسیدگی به صالحان و مؤمنان فراهم می‌کند. از این رو چون خدا صلاحیت و اهلیت برای انسان می‌بیند، لطف و رحمت بیشـــتر خود را نثار وی می‌کند. امیرمؤمنین (علیه الســـلام) در این باره می‌فرمایـــد: پاکی نیت و طراوت اندیشـــه، دوری از تنگ نظـــری در برخوردها، س‌هل گرفتـــن در زندگی با دیگران، گشـــایش چ‌هره و خوش برخورد بودن با برادران مســـلمان، گنج های رزق آدمی و باعث افزایش روزی انسان ها خواهد بود. خوش اخلاقی و مهربانـــی و پذیرایی از بندگان صالح خدا با نعمت های الهی در دســـت ماســـت. این کار پسندیده رضایت پروردگار را در رسیدگی به صالحان و مؤمنان فراهم می‌کند. از این رو چون خدا صلاحیت و اهلیت برای انســـان می‌بیند، لطف و رحمت بیشتر خود را نثار وی می‌کند. امیرمؤمنین (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: پاکی نیت و طراوت اندیشه، دوری از تنگ نظری در برخوردها، س‌هل گرفتن در زندگی با دیگران، گشـــایش چ‌هره و خـــوش برخورد بودن با برادران مسلمان، گنج های رزق آدمی و باعث افزایش روزی انسان ها خواهد بود

. ۴ -انفـــاق از دارایـــی و پرداخـــت حقـــوق مالی: صدقه فراوان و خرسندی دیگران با کمک های مالی، خرسندی خداوند را به دنبال دارد و تأثیری بسیار در جلب روزی و دور شـــدن از بلایا را بـــه همراه خواهد داشت

. ۵ –بیـــداری صبحگاهان و وضوی دائم: اذان صبح تا طلوع آفتاب لحظه هایی است که نوعی سبک بالی، طراوت روحی و شادی خاطر برای تمامی روز بیداران را به همراه دارد، به گونه‌ای که هیچ گونه افســـردگی روحی و خمودی فکری در انســـان احساس نشده و با نشاطی غیرقابل توصیف به کارهای شایسته می‌پردازد. مصائب، زنگ بیدار باشـــی است برای غافلان و شلاقی است، بر ارواح خفته و رمزی است از ناپایداری جهان و اشاره‌ای است به کوتاه بودن عمر این زندگی. حقیقت این اســـت که، مظاهر فریبنده ایـــن «دار الغرور» زود انســـان را به خود جذب و ســـرگرم و از یاد حق غافل می‌کند، ناگ‌هان بیدار می‌شود که کاروان رفته و او در خواب و بیابان در پیش

۶ -دوری از گناه، ظلم و نافرمانی خداوند: به راستی کسانی که در زندگی خود با ما صادق، مهربان و مودب هستند، چه جایگاهی نزد ما دارند؟ و آنان که چندین بار تاکنون به ما نزدیک شده، از مهربانی و سخاوت ما اســـتفاده کرده و پس از چندی نه تن‌ها سپاسگزاری نکرده بلکه علیه ما اقدام کرده و عمل آنان آثار زشتی ایجاد کرده اســـت، چه موقعیتی در دل و اندیشـــه ما دارند؟ آیا به این دسته از افراد باز هم احسان می‌کنیم و از امکانات خود در اختیار آنان قرار می‌دهیم؟ ویژگی ذاتی اطاعت و اســـتفاده نعمت های الهی در مســـیر حقیقـــی آن، فزونی تمـــام داده های خداوند و ریزش الطاف چشـــمگیر دیگری را به همـــراه دارد و عملکرد ذاتی گناه، معصیت و مصـــرف نعمت های خداوند در مسیری نادرســـت و علیه دســـتورهای الهی، تنگی معیشـــت و کمی رزق و زندگی ســـخت و دشواری را به همراه خواهد داشـــت. از این رو پیشـــوایان معصوم علی‌هم الســـلام فرموده اند: «با گنـــاه افراد، رحمت و روزی خداوند به روی آنان بسته می‌شود، برکات رزق برطرف می‌گـــردد، گوارایی و شـــادکامی و راحتی از زندگی زدوده می‌شـــود و مسیر گذران عمر با دشواری و سختی روبه رو خواهد شد.»

۷ –دعا: روزی امیرمؤمنان امام علی علیه الســـلام رو بـــه فرزند خود امام حســـن مجتبی علیه الســـلام کرد و فرمود: «پســـرم، همان کســـی کـــه گنج های آســـمان ها و زمین را در اختیار دارد، به تو اجازه دعا و درخواســـت داده و اجابت آنـــان را نیز تضمین کرده اســـت. به تو امر کرده که از او بخـــواهی تا به تو عطا کند و از او درخواســـت رحمت کنی تا رحمتش را بر تو فرو فرســـتد... هرگاه بخواهی با او درد دل می‌کنی و ناراحتی و مشـــکلات رادر برابر او قرار می‌دهی. از او در کارهایت اســـتعانت می‌جویی و از خزائن رحمتش چیزهایی را می‌خواهی که جز او کسی قادر به عطای آن نیســـت مانند عمر بیشتر، تندرستی بدن و وسعت روزی. پس خداوند کلیدهای خزائنش را در دســـت تو قرار داده اســـت. بنابراین هرگاه خواستی می‌توانی به وسیله دعا درهای نعمت خدا را بگشایی و باران رحمت او را فـــرودآوری.» در پایـــان از خداوند آرزوی ظهور منجی عالم بشـــریت، حضرت مهدی(عج) را داریم تا در کنار نوگل زهرا ســـلام الله علیها، سلاله عصمت و طهارت و یاریگر تمام مستضعفان و محرومان، بهشت زمینـــی را نیز تجربه کنیـــم. راهکار قرآنـــی در برابر مصائب و مشکلات

منبع: مددنیا، محمود، فلسفه وسعت رزق و عوامل افزایش روزی

خبـــر

راهکار فراری دادن شیطان

هگمتانه، گروه جرعه نور: امام باقرعلیه الســـلام می‌فرمایند: «آیا شما را از چیزی با خبر نکنم که چون بدان عمل کنید. سلطان و شیطان از شما دور شوند؟

یک طیف از عبادات در اسلام عبادات مالی است؛ خمس، زکات، انفاق و صدقه اســـت. در قرآن جهاد مالی مقدم بر جهاد جانی ذکر شده است؛

«لکِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذینَ آمَنُوا مَعَهُ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ»[توبه/ ۸۸]

که نشان از اهمیت بالای انفاق و جهاد مالی است. همچنین در اسلام انباشت بی‌رویه ثروت وعدم انفاق آن نکوهش شده است؛

«أَلْهاکُمُ التَّکاثُرُ[تکاثر/۱]مباهات به فزونی مال و ثروت شـــما را به غفلت انداخت.» حتی وعده عذاب دردناک به آن داده شده است؛

«الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ[توبه،۳۴]آنان که طلا و نقره را اندوخته می‌کنند، و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند برای آنها مژده کیفری دردناک بده.»

*بهترین راه برای تمرین انفاق صدقه روزانه است

امام باقر علیه الســـلام می‌فرمایند: «آیا شما را از چیزی با خبر نکنم که چون بدان عمل کنید. سلطان و شیطان از شما دور شوند؟ ابو حمزه عرض کرد: بله! آن را بفرمایید تا بدان عمل کنیم. پس امام فرمودند:

بر شماســـت که روز را با صدقه آغاز نمایید؛ چرا که صدقه شـــیطان را رو ســـیاه کنـــد و در آن روز، خشم‌گیری ســـلطان ستم پیشـــه را بر شما بی‌اثر می‌کند.»[ترجمه تحف العقول، ص۵۳۱]

چه کنیم تا در دنیا راحت زندگی کنیم؟

هگمتانه، گروه جرعه نور: همه ما انســـان‌ها خواهان زندگی راحت هستیم ولی ابتدا باید از خودمان بپرسیم:

زندگی راحت چه زندگی است؟

شـــاید به محض پرســـیدن این ســـؤال، در ذهن بعضی‌ها اینگونه تداعی شـــود که، زندگی راحت یعنی اینکه هیچ گونه سختی و مشکلاتی در زندگی نداشته باشـــیم و یا بعضی‌ها بگویند: اینکه پول و ثروت فراوان داشته باشیم و در رفاه زندگی کنیم و...

افراد مختلـــف از زندگی راحت، تفاســـیر متفاوتی دارند ولی اگـــر بخواهیم واقع بینانه بـــه زندگی نگاه کنیم، زندگی راحت، زندگی است که سرشار از آرامش باشـــد... در حقیقت ما باید ابتدائاً راه‌های رســـیدن به آرامش را پیدا کنیم تا ان شـــاء الله از این مجرا به آن راحتی برسیم.

به تأکیـــد و اذعان همـــه ی اندیشـــه‌ها و تفکرات، مخصوصاً تفکر اســـلامی این آرامش فقط و فقط در پرتو ایمان به خدا و ارتباط با او و توســـل به ائمه و اهل بیت علیهم السلام و عمل به دستورات آنها به دست می‌آید.

می پرسید: چگونه؟

همه ما ممکن است نمونه‌های بسیاری از انسان‌ها را دیـــده باشـــیم که علی رغم داشـــتن ثـــروت، پول و امکانات کافی و یا مقام و شـــهرت بســـیار، همیشه مشوش و نگرانند و از زندگی خود هیچ لذتی نمی‌برند! که سرچشـــمه ی همه ی این نگرانی‌ها و تشـــویش‌ها نداشـــتن ارتباط با یگانه معبود عالم هستی است چرا که سرمایه‌های ایشان (مال و ثروت و پول و مقام و...) هر لحظه در حال آب شدن و از بین رفتن است، بدون اینکه حاصلی برای آنها در پی داشته باشد...

گفتنی اســـت که، داشـــتن پول، ثـــروت و مقام به خـــودی خود فاقد ارزش نیســـت به شـــرطی که این مواهب الهی با رعایت موازین و حدود شـــرعی، در راه رسیدن به عدالت و خدمت به خلق خدا و آباد ساختن خانه ی آخرت انسان استفاده گردد.

***راضی به رضای خدا باشیم**

راه دیگری که برای رســـیدن بـــه آرامش بیان و تجربه شده است، رسیدن به مقام رضا است؛ یعنی اینکه انسان به وضعیت حال و شرایط موجود خود و حوادثی که در زندگی او به وقوع می‌پیوندد، راضی و به آنچه دارد قانع باشد.

البتـــه راضی بودن به وضـــع موجود دلیل بر تلاش نکردن برای رسیدن به وضعیت بهتر نیست بلکه باید تـــلاش کرد و نتیجه را به خداوند ســـپرد و بر خداوند توکل نمود.

گاهی نیز دلبســـتگی‌های دنیوی، آرامش و زندگی راحت را از انسان سلب می‌کند.

قرآن می‌فرماید: «لِکَیْلا تَأْســـوا عَلَـــی مافاتَکُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِمَا آتاکُمْ»

«آن گونه باشـــید که اگر چیزی را از دست دادید تاسف نخورید و اگر چیزی به شما دادند،شاد نشوید.»

به راستی، آیا می‌شود انسان اینگونه متعادل باشد که دادن‌ها و گرفتن‌ها در او اثری نگذارد؟

کارمند بانک،یک روز مســـؤول دریافت پول مردم می‌شـــود و روز دیگر مســـؤول پرداخت پول به مردم می‌شود. نه آن روزی که پول می‌گیرد خوشحال است و نه آن روزی که می‌پـــردازد، ناراحت! زیرا او می‌داند هر دو روز، امانتداری بیش نبوده است.

در حقیقـــت این راضی بودن بـــه رضای خدا نوعی حُســـن ظن به خداوند بزرگ بوده که از برترین مراتب اســـت و در آیات و روایات فراوانی نسبت بدان ترغیب شـــده، راهی به ســـوی تفکر مثبت است که از عقل بر می‌خیزد؛ زیرا خداوند متعال عاقبت کارها را به خوبی می داند و از ما به خودمان مهربان تر است.

اگر انسان معتقد باشـــد آنچه خداوند برایش پیش آورده، و آنچـــه به تأخیر انداخته، برای او بهتر اســـت، گرچه دلخواه وی نباشد، مثبت فکر می‌کند؛ اگرچه به دلیل جهلش نتواند کارهایی را که برخلاف میلش روی داده است توجیه کند.

در این رابطه از امام رضا (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «أَحْســـِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِ عَبْدِیَ الْمُؤْمِنِ بِی إِنْ خَیْراً فَخَیْراً وَ إِنْ شَرّاً فَشَرّاً.» نســـبت به خداوند حُسن ظن داشته باش، چه خداوند عزوجل می فرماید: من نزد حُســـن ظن بنده مؤمنم هســـتم، اگر نیک باشد، نیک و اگر بد باشد، بد هستم. (تفسیر نور الثقلین ج ۵، ص ۹۱)

در حقیقت این حسن ظن حالتی است که موجب شـــادی دائمی و خشـــنودی خداوند متعال می‌شود و از بهره‌هـــای آن در دنیا نیز زندگـــی راحت و خوب و رضایت بخش اســـت. در دعا می بینیم که امام (علیه السلام) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَســـْأَلُکَ إِیمَاناً تُبَاشِـــرُ بِهِ قَلْبِی وَ یَقِیناً حَتَّی أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا یُصِیبُنِی إِلَّا مَا کَتَبْتَ لِی وَ رَضِّنِی بِمَا قَسَـــمْتَ لِی.» (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ج ۷۰، ص ۳۹۴)

بارخدایـــا از تو ایمانی می‌خواهم تا بدانم که به من نرســـد جز آنچه تو برای من نوشتی و راضی دار مرا به همان زندگانی که قسمتم کردی.

***کلام آخر**

انســـان‌های بزرگ، به خاطر ســـعه ی صدری که دارند، مســـائل جزئی در روح آنـــان اثر چندانی ندارد، باید آنگونه باشـــیم که فراز و نشیب‌های زندگی ما را همچون موج متلاطم نکند و همیشه همچون اقیانوس آرام، بزرگ باشیم و آرام.

گره‌های زندگی از این جا شروع می‌شوند

هگمتانه، گروه جرعه نور: زندگی بافتن یک قالی اســـت نه هر آن نقش و نگاری که خودت می‌خواهی، نقشـــه از پیش مشخص شده است تو در ایـــن بین فقط می‌بافی، نقشـــه را خوب ببین، خوب ببـــاف، نکند آخر کار قالی بافته ات را نخرند.

یکـــی از زیبایی‌هایی که در هنر بـــه زیبایی خود نمایی می‌کند هنر قالیبافی است. هنری زیبا و ظریف به طوری که قالیباف هنرمند با توجه به نقشـــه‌ای که در اختیار دارد دار قالـــی را فراهم م یکند و با رنگ‌ها اثـــری را خلق می‌کند که همگان را از زیبایی این هنر به تعجب وا می‌دارد. هنری که خریداران زیادی را در بازار قالی فروشی به سمت خود جذب می‌کند.

تا به حـــال توجه کرده اید که زندگـــی ما در این دنیا هم دقیقاً مثل هنر قالیبافی است؟! نقشه‌ای داریم کـــه باید مو به مو طبق این نقشـــه، تـــارو پود زندگی هایمان را در کنار هم قرار دهیم تا به شـــکل اصلی که باید و شاید است برســـیم و در نهایت در بازار قیامت که همچون بازار قالی فروش‌ها اســـت، قالی زندگی باز می‌شـــود: وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِـــرَتْ» (تکویر/۱۰) و آن جا معلوم می‌شـــود که این قالی زندگی چقدر با نقشه ی اصلی خود؛ قرآن و زندگـــی اهل بیت هماهنگ بافته شـــده یا خیر.. آن جا اســـت که اگـــر بافته های ی ما زیبا شـــود، نفیس می‌شود خود خداوند هم مشتری و خریدار است؛ «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَی» (توبه/۱۱۱) وگرنه هیچ خریداری وجود ندارد.

زندگی بافتن یک قالی است
نه همان نقش و نگاری که خودت می‌خواهی
نقشه از پیش مشخص شده است
تو در این بین فقط می‌بافی
نقشه را خوب ببین خوب بباف
نکند آخر کار
قالی بافته ات را نخرند

و در روز قیامت، روزی شـــبیه بازار قالی فروش‌ها گفته می‌شود؛ خودت بگو «کَفَی بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیبًا» (اسراء/۱۴) خودت خودت را حساب رسی کن و این جا اســـت که قرآن می‌گوید «وَیَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَی یَدَیْهِ» (فرقان/۲۷)

آن روز روزی اســـت که آدم هایی که به خودشان ظلم کرده اند و مطابق این نقشه رفتار نکردند دستان خودشـــان را می‌گزند «یَوْمَئِذٍ یَتَذَکَّرُ الْإِنْســـانُ وَ أَنَّی لَـــهُ الذِّکْری» (فجر/۲۴) آن روز اســـت که آدم ها تازه می‌فهمند چه می‌توانستند ببافند و چه بافتند ولی چه فایده؟!! که دیگر برای بافتن قالی عمرشان دیگر زمانی باقی نمانده است.

میخی افتاد، بـــه خاطر میخی نعلی افتاد، به خاطر نعلی اســـبی افتاد، به خاطر اسبی ســـرداری افتاد، به خاطـــر ســـرداری جنگی شکســـت خورد، بـــه خاطر شکستی مملکتی نابود شد و این ها همه به خاطر این بود که آن مرد نعل بند میخ خود را خوب نکوبیده بود. کوبیدن یک میخ کار خیلی کوچکی اســـت، کار کمی اســـت ولی اگر آن نعل بند آن میخ را محکم می‌کوبید این نعل نمی‌افتاد اســـب نمی‌افتاد ســـردار نمی‌افتاد جنگ شکست نمی‌خورد و مملکت هم نابود نمی شد.

زندگی هم همین طور اســـت بعضی ها می‌گویند مگر ما چه کار کردیم این قدر زندگی ما پیچ می‌خورد، ایـــن قدر گره در کار ما می‌افتـــد. گاهی ما آدم‌ها فکر می‌کنیم باید یک جنایات سنگینی کرده باشیم تا یک اتفاقات ســـخت و ســـنگینی در زندگی پیش بیاید در حالی که اهل بیت به ما گفته اند دنیا مزرعه اســـت؛ با این تمثیل‌ها خواســـته اند تصویر دنیا و بازتاب اعمالو رفتارهایمان را به ما بفهمانند.

فکر نکنیم کـــه کارهایی که انجـــام می‌دهیم ریز اســـت و دیده نمی‌شوند و تأثیری ندارند، خیر! نگوییم این گناه کوچک اســـت، نگوییم انقدر مردم بد شـــده اند که این بـــدی کوچک من چیزی نیســـت! همین کـــه می‌گوییم این که چیزی نبود گاهی وقت ها تمام زندگی را تحت تأثیر شعاع خودش قرار می‌دهد.

همیـــن ریزهـــا و کوچک‌هایی کـــه در نظر ما بی اهمیت هســـتند، مثل آن بذری اســـت که کاشته می شـــود؛ چطور گاهی وقت‌ها بذری در حیاط کاشـــته می‌شـــود بعد از ســـال‌ها تمـــام حیـــاط را می‌گیرد، نمی‌گذارد به این خانه آفتاب بتابد، فضا را تاریک می کند؛ می گوید یک روزی اتفاق می‌افتد که همین کار کوچک ممکن است زندگی تو تار و تیره می‌کند. یک دلی می شـــکنیم می‌گوییم به جایی بر نمی‌خورد..... این همان است که گفت:

چـــون که بد کردی بترس ایمن نباش زان که تخم است و برویاند خداش

نقشه راه را تنها و تنها از قرآن و اهل بیت بگیریم

قرآن و اهل بیت نقشـــه زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هســـتند. همه مردم قرآن و اهل بیت علیهم الســـلام را دوســـت دارند اما معرفـــت به عمق قـــرآن و امام را همـــه ندارند. برای اســـتفاده از این نقشـــه‌های راه باید به آن هاشناخت و معرفـــت پیدا کنیم، چرا که مـــا محتاج آدرس‌های قرآنی و روایی از اهل بیت بوده و نیازمند دارویی برای دردهای زندگی هستیم.

اگر کســـی با هدایت های قرآن زندگی کند زندگی اش مثل تابلو نفیس می‌شـــود و اگر به هدایت هایش التفاتی نداشـــته باشیم، زندگی هایمان به هم می‌ریزد و اگر التفات کنیم تمام این به هم ریختگی ها سامان پیدا می‌کند

بنابر این برای رفع مشـــکلاتمان باید به قرآن روی آوریم چرا که قرآن هم نشانی زندگی ما و هم داروخانه دردها و مشکلات ما در همه امور است.